



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

نهضت سيد الشهداء عليه السلام

و اهداف آن

محمد حسين طباطبائي



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نهضت سیدالشهدا (علیه السلام) و اهداف آن

نویسنده:

محمد حسین طباطبایی

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	نهضت سیدالشهداء و اهداف آن
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۷	نهضت سیدالشهداء و هدف آن
۸	درگذشت معاویه و خلافت یزید
۸	امام و بیعت با یزید
۸	اثر امتناع از بیعت
۸	ترجیح مرگ بر زندگی
۹	اشاره‌های مختلف امام به وظیفه خود
۹	اختلاف روش امام در خلال مدت قیام خود
۱۰	پاورقی
۱۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

نهضت سیدالشهداء و اهداف آن

مشخصات کتاب

عنوان: نهضت سیدالشهداء (علیه السلام) و اهداف آن

پدیدآورندگان: امام سوم حسین بن علی (ع) (توصیف گر)

طباطبایی، محمد حسین، ۱۲۸۱-۱۳۶۰ (پدیدآور)

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

صاحب محتوا: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان

توصیفگر: قیام عاشورا

سیره امامان

ناسوت

وضعیت نشر: قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷

ویرایش: -

خلاصه:

مخاطب:

یادداشت: مملزومات سیستم: ویندوز ۹۸+؛ با پشتیبانی متون عربی؛ +IE۶ شیوه دسترسی: شبکه جهانی وبعنوان از روی صفحه

نمایش عنوان داده های الکترونیکی منشأ مقاله: حکومت اسلامی، پاییز ۱۳۸۱، شماره ۲۵، صص ۶۶ - ۷۴

شناسه: [oai:tebyan.net/۲۹۰۸۷](http://oai.tebyan.net/۲۹۰۸۷)

تاریخ ایجاد رکورد: ۱۳۸۸/۱۰/۱۶

تاریخ تغییر رکورد: -

تاریخ ثبت: ۱۳۸۹/۷/۴

قیمت شیء دیجیتال: رایگان

اشاره

به دنبال طرح موضوع آگاهی حضرت امام حسین (ع) از سرنوشت حرکت و نهضت خویش و شبهه‌ای که یکی از نویسندگان در تحلیل حرکت حضرت و علم ایشان به سرانجام شهادت ایجاد کرده بود و پیرو پرسشهایی که برخی روحانیون در این خصوص از محضر علامه سید محمد حسین طباطبایی «قدس سره» کردند، ایشان رساله‌ای کوتاه را در باره علم امام نوشتند و در آن زمان منتشر شد. این رساله همان گونه که آیه‌الله رضا استادی در مجموعه «بیست مقاله» که به همت ایشان منتشر شده، آورده‌اند، «در عین اختصار و کوتاهی از اتقان و استحکام فوق‌العاده‌ای برخوردار است». البته همان نویسنده همان زمان بر این رساله خرده‌گیری کرده و نقد نوشت ولی علامه طباطبایی قدس سره با پاسخهای خویش، بر مطالب رساله تأکید ورزیدند. نقد و پاسخ نیز در همین مجموعه،

پس از اصل رساله آمده است. بخش اول این رساله در موضوع علم امام (ع) است که علاقه‌مندان می‌توانند برای مطالعه آن به این مجموعه مراجعه کنند. مرحوم علامه عالی‌مقام، در ادامه رساله با عنوان «نهضت سیدالشهدا (ع) و هدف آن» به تحلیل کوتاه قیام حضرت (ع) پرداخته‌اند. شخصیت علمی و استحکام تحلیل ایشان که در عین اختصار، نگاشته شده، ما را بر آن داشت که در سرآغاز مقاله‌های این دفتر ویژه‌نامه متن آن را عیناً از مجموعه یاد شده، برای خوانندگان ارجمند بازگو کنیم.

نهضت سیدالشهداء و هدف آن

با یک سیر اجمالی در وضع عمومی آن روز، می‌توان نسبت به تصمیم و اقدام سیدالشهدا (ع) روشن شد. تیره‌ترین و تاریک‌ترین روزگاری که در جریان تاریخ اسلام به خانواده رسالت و شیعیانشان گذشته، دوره حکومت بیست ساله معاویه بود. معاویه پس از آنکه خلافت اسلامی را - با هر نیرنگ بود - به دست آورد و فرمانروای بی‌قید و شرط کشور پهناور اسلامی شد، همه نیروی شگرف خود را صرف تحکیم و تقویت فرمانروایی خود و نابود ساختن اهل بیت رسالت می‌نمود، نه تنها در اینکه آنان را نابود کند بلکه می‌خواست نام آنان را از زبان مردم و نشان آنان را از یاد مردم محو کند. جماعتی از صحابه پیغمبر (ص) را که مورد احترام و اعتماد مردم بودند از هر راه بود با خود همراه و با ساختن احادیث به نفع صحابه و ضرر اهل بیت به کار انداخت و به دستور او در منابر اسلامی در سرتاسر بلاد اسلامی به امیرالمؤمنین (ع) - مانند یک فریضه دینی - سب و لعن می‌شد. به وسیله ایادی خود مانند زیاد بن ابیه و سمره بن جندب و بسر بن ارطأ و امثال ایشان، هر جا از دوستان اهل بیت سراغ می‌کرد به زندگیش خاتمه می‌داد و در این راهها از زر، از زور، از تطمیع، از ترغیب و از تهدید تا آخرین حد توانایی استفاده می‌کرد. در چنین محیطی طبعاً کار به اینجا می‌کشد که عامه مردم از بردن نام علی (ع) و آل علی نفرت کنند و کسانی که از دوستی اهل بیت، رگی در دل دارند از ترس جان و مال و عرض خود، هرگونه رابطه خود را با اهل بیت قطع کنند. واقع امر را از اینجا می‌توان به دست آورد که امامت سیدالشهدا (ع) تقریباً ده سال طول کشید که در همه این مدت - جز چند ماه اخیر - معاصر معاویه بود. در طول این مدت از آن حضرت که امام وقت و مبین معارف و احکام دین بود، در تمام فقه اسلامی حتی یک حدیث نقل نشده است؛ منظور روایتی است که مردم از آن حضرت نقل کرده باشند که شاهد مراجعه و اقبال مردم است نه روایتی که از داخل خاندان آن حضرت مانند ائمه بعدی رسیده باشد. و از اینجا معلوم می‌شود که آن روز درب خانه اهل بیت بکلی بسته شده و اقبال مردم به حد صفر رسیده بوده است. اختناق و فشار روز افزون که محیط اسلامی را فرا گرفته بود به حضرت امام حسین (ع) اجازه ادامه جنگ یا قیام علیه معاویه را نداد و کمترین فایده‌ای هم نداشت؛ زیرا: اولاً: معاویه از او بیعت گرفته بود و با وجود بیعت، کسی با وی همراهی نمی‌کرد. ثانیاً: معاویه خود را یکی از صحابه کبار پیغمبر (ص) و کاتب وحی و مورد اعتماد و دست راست سه نفر از خلفای راشدین به مردم شناسانیده بود و نام خال‌المؤمنین را به عنوان لقبی مقدس بر خود گذاشته بود. ثالثاً: با نیرنگ مخصوص به خودش به آسانی می‌توانست حضرت امام حسین (ع) را به دست کسان خودش بکشد و بعد به خونخواهی وی برخیزد و از قاتلین وی انتقام بکشد و مجلس عزای نیز برایش برپا کند و عزادار شود! معاویه وضع زندگی امام حسن (ع) را به جایی کشانیده بود که کمترین امنیتی حتی در داخل خانه شخصی خودش نداشت، و بالاخره نیز (وقتی که می‌خواست برای یزید از مردم بیعت بگیرد) آن حضرت را به دست همسر خودش مسموم کرده، شهید ساخت. همان سیدالشهدا (ع) که پس از درگذشت معاویه بی‌درنگ علیه یزید قیام کرد و خود و کسان خود - حتی بچه شیرخواره خود را در این راه فدا کرد، در همه مدت امامت خود که معاصر معاویه بود به این فداکاری قادر نشد؛ زیرا در برابر نیرنگهای صورتاً حق به جانب معاویه و بیعتی که از وی گرفته شده بود، قیام و شهادت او کمترین اثری نداشت. این بود خلاصه وضع ناگواری که معاویه در محیط اسلامی به وجود آورد و درب خانه پیغمبر اکرم (ص) را بکلی بسته، اهل بیت را از هرگونه اثر و خاصیت انداخت.

درگذشت معاویه و خلافت یزید

آخرین ضربت کاری وی که به پیکر اسلام و مسلمین وارد ساخت این بود که خلافت اسلامی را به سلطنت استبدادی موروثی تبدیل نمود و پسر خود یزید را به جای خود نشانید، در حالی که یزید هیچ گونه شخصیت دینی - حتی به طور تزویر و تظاهر - نداشت و همه وقت خود را علناً با ساز و نواز و باده گساری و شاهد بازی و میمون رقصانی می گذرانید و احترامی به مقررات دینی نمی گذاشت و گذشته از همه اینها اعتقادی به دین و آیین نداشت چنانچه وقتی که اسیران اهل بیت و سرهای شهدای کربلا را وارد دمشق می کردند و به تماشای آنها بیرون آمده بود، بانک کلاغی به گوشش رسید، گفت: نعب الغراب فقلت قل او لا تقل فقد اقتضیت من الرسول دیونی [۱]. و همچنین هنگامی که اسیران اهل بیت و سر مقدس سیدالشهدا (ع) را به حضورش آوردند، ایاتی سرود که یکی از آنها این بیت بود: لعبت هاشم بالملک فلا خبر جاء و لا وحی نزل زمامداری یزید که توأم با ادامه سیاست معاویه بود، تکلیف اسلام و مسلمین را روشن می کرد و من جمله وضع رابطه اهل بیت رسالت را با مسلمانان و شیعیانشان - که می بایست به دست فراموشی مطلق سپرده شود و بس - معلوم می ساخت. در چنین شرایطی یگانه وسیله و مؤثرترین عامل برای قطعیت یافتن سقوط اهل بیت و درهم ریختن بنیان حق و حقیقت، این بود که سیدالشهدا (ع) با یزید بیعت کند و او را خلیفه و جانشین مفترض الطاعه پیغمبر بشناسند.

امام و بیعت با یزید

سیدالشهدا (ع) نظر به پیشوایی و رهبری واقعی که داشت نمی توانست با یزید بیعت کند و چنین قدم مؤثری در پایمال ساختن دین و آیین، بر دارد و تکلیفی جز امتناع از بیعت نداشت و خدا نیز جز این از وی نمی خواست.

اثر امتناع از بیعت

از آن طرف امتناع از بیعت اثری تلخ و ناگوار داشت؛ زیرا قدرت هولناک و مقاومت ناپذیر وقت، با تمام هستی خود، بیعت می خواست (بیعت می خواست یا سر) و به هیچ چیز دیگر قانع نبود و از این روی کشته شدن امام (ع) در صورت امتناع از بیعت، قطعی و لازم لاینفک امتناع بود. سیدالشهدا (ع) نظر به رعایت مصلحت اسلام و مسلمین، تصمیم قطعی بر امتناع از بیعت، و کشته شدن گرفت و بی محابا مرگ را بر زندگی ترجیح داد و تکلیف خدایی وی نیز امتناع از بیعت و کشته شدن بود. و این است معنی آنچه در برخی از روایات وارد است که رسول خدا در خواب به او فرمود: خدا می خواهد تو را کشته ببیند. و نیز آن حضرت به بعضی از کسانی که از نهضت منعش می کردند فرمود: خدا می خواهد مرا کشته ببیند. و به هر حال، مراد مشیت تشریحی است نه مشیت تکوینی؛ زیرا چنانکه سابقاً بیان کردیم مشیت تکوینی خدا تأثیری در اراده و فعل ندارد.

ترجیح مرگ بر زندگی

آری سیدالشهدا (ع) تصمیم بر امتناع از بیعت و - در نتیجه - کشته شدن گرفت و مرگ را بر زندگی ترجیح داد و جریان حوادث نیز اصابت نظر آن حضرت را به ثبوت رسانید؛ زیرا شهادت وی با آن وضع دلخراش، مظلومیت و حقانیت اهل بیت را مسجل ساخت و پس از شهادت، تا دوازده سال نهضت‌ها و خونریزی‌ها ادامه یافت و پس از آن همان خانه‌ای که در زمان حیات آن حضرت کسی درب آن را نمی شناخت با مختصر آرامشی که در زمان امام پنجم به وجود آمد، شیعه از اطراف و اکناف مانند سیل به در همان خانه می ریختند و پس از آن، روز به روز به آمار شیعیان اهل بیت افزود و حقانیت و نورانیتشان در هر گوشه و کنار

جهان به تابش و تلاؤ پر داخت و پایه استوار آن، حقانیت توأم با مظلومیت اهل بیت می‌باشد و پیش‌تاز این میدان، سیدالشهدا (ع) بود. حالا مقایسه وضع خاندان رسالت و اقبال مردم به آنان در زمان حیات آن حضرت با وضعی که پس از شهادت وی در مدت چهارده قرن پیش آمده و سال به سال تازه‌تر و عمیق‌تر می‌شود، اصابت نظر آن حضرت را آفتابی می‌کند و بیتی که آن حضرت - بنا به بعضی از روایات - انشاد فرموده، اشاره به همین معنی است: و ما أن طَبْنَا جِبْنَ و لکن منایانا و دوله آخرینا و به همین نظر بود که معاویه به یزید اکیداً وصیت کرده بود که اگر حسین ابن علی از بیعت با وی خودداری کند او را به حال خود رها کند و هیچ گونه متعرض وی نشود. معاویه نه از راه اخلاص و محبت این وصیت را می‌کرد، بلکه می‌دانست که حسین بن علی (ع) بیعت کننده نیست و اگر به دست یزید کشته شود اهل بیت، مارک مظلومیت به خود می‌گیرند و این برای سلطنت اموی، خطرناک و برای اهل بیت، بهترین وسیله تبلیغ و پیشرفت است.

اشاره‌های مختلف امام به وظیفه خود

سیدالشهدا (ع) به وظیفه خدایی خود که امتناع از بیعت بود آشنا بود و بهتر از همه به قدرت بیکران و مقاومت‌ناپذیر بنی‌امیه و روحیه یزید پی برده بود و می‌دانست که لازم لاینفک خودداری از بیعت، کشته شدن اوست و انجام وظیفه خدایی، شهادت را در بر دارد. و از این معنی در مقامات مختلف با تعبیرات گوناگون کشف می‌فرمود. در مجلس حاکم مدینه که از وی بیعت می‌خواست فرمود: مثل من با مثل یزید بیعت نمی‌کند. هنگامی که شبانه از مدینه بیرون می‌رفت از جدش رسول اکرم (ص) نقل فرمود که در خواب به وی فرمود: خدا خواسته (یعنی به عنوان تکلیف) که کشته شوی. در خطبه که هنگام حرکت از مکه خواند و در پاسخ کسانی که می‌خواستند آن حضرت را از حرکت به سوی عراق منصرف سازند همان مطلب را تکرار فرمود. در پاسخ یکی از شخصیت‌های اعراب که بین راه اصرار داشت که آن حضرت از رفتن به کوفه منصرف شود و گرنه قطعاً کشته خواهد شد، فرمود: «این رأی بر من پوشیده نیست ولی اینان از من دست بردار نیستند و هر جا بروم و هر جا باشم مرا خواهند کشت.» برخی از این روایات اگر چه معارض دارد یا از جهت سند خالی از ضعف نیست ولی ملاحظه اوضاع و احوال روز و تجزیه و تحلیل قضایا، آنها را کاملاً تأیید می‌کند.

اختلاف روش امام در خلال مدت قیام خود

البته مراد از اینکه می‌گوییم مقصد امام (ع) از قیام، شهادت بود و خدا شهادت او را خواسته بود، این نیست که خدا از وی خواسته بود که از بیعت یزید خودداری نماید، آنگاه دست روی دست گذاشته به کسان یزید اطلاع دهد که بیاید مرا بکشید و بدین طریق خنده‌دار وظیفه خود را انجام دهد و نام قیام روی آن بگذارد. بلکه وظیفه امام (ع) این بود که علیه خلافت شوم یزید قیام کرده، از بیعت با او امتناع ورزد و امتناع خود را - که به شهادت منتهی خواهد شد - از هر راه ممکن به پایان رساند. از اینجاست که می‌بینیم روش امام (ع) در خلال مدت قیام به حسب اختلاف اوضاع و احوال، مختلف بوده است: در آغاز کار که تحت فشار حاکم مدینه قرار گرفت شبانه از مدینه حرکت کرده به مکه که حرم خدا و مأمن دینی بود پناهنده شد و چند ماهی را در مکه در حال پناهندگی گذرانید. در مکه تحت مراقبت سَری مأمورین آگاهی خلافت بود تا تصمیم گرفته شد توسط گروهی اعزامی در موسم حج کشته شود یا دستگیر شده به شام فرستاده شود. و از طرف دیگر سیل نامه از جانب عراق به سوی آن حضرت باز شده در صدها و هزارها نامه وعده یاری و نصرت داده او را به عراق دعوت کردند و در آخرین نامه که صریحاً به عنوان اتمام حجت - چنانکه بعضی از مورخین نوشته‌اند - از اهل کوفه رسید که حضرت تصمیم به حرکت و قیام خونین گرفت. اول به عنوان اتمام حجت، مسلم بن عقیل را به عنوان نماینده خود به کوفه فرستاد و پس از چندی، نامه مسلم مبنی بر مساعد بودن اوضاع نسبت به

قیام، به آن حضرت رسید. امام (ع) به ملاحظه دو عامل که گفته شد یعنی ورود مأمورین سرّی شام به منظور کشتن یا گرفتن وی و حفظ حرمت خانه خدا و مهیا بودن عراق برای قیام، به سوی کوفه رهسپار شد. سپس در اثنای راه که خبر قتل فجیع مسلم و هانی رسید، روش قیام و جنگ تهاجمی را به قیام دفاعی تبدیل فرموده و به تصفیه جماعت خود پرداخت و تنها کسانی را که تا آخرین قطره خون خود از یاری وی دست بردار نبودند نگه داشته، رهسپار مصرع خود شد. [۲].

پاورقی

[۱] به نقل آلوسی در جزء ۲۶ تفسیر روح المعانی، ص ۶۶ از تاریخ ابن وردی و کتاب الوافی بالوفیات.

[۲] بیست مقاله، رضا استادی، نشر انتشارات اسلامی، صص ۴۳۸-۴۴۴.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه‌های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه‌ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه‌های ماهواره‌ای
 و) راه‌اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ‌گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
 ز) طراحی سیستم‌های حسابداری، رسانه‌سازی، موبایل‌سازی، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه‌های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش‌ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت‌کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم و دوره‌های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج‌رمان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶
 وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه‌الله الاعظم عجل‌الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۳۳۱-۵۳۴۵-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
 همه مردم را زنده کرده است!» یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش

از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

